

DOI: [10.30512/KQ.2021.13191.2601](https://doi.org/10.30512/KQ.2021.13191.2601)

مصدریابی تطبیقی روایات «التبیان» طوسی در تفاسیر «المصابیح» وزیر مغربی و «جامع البیان» طبری*

اعظم فرجامی^۱

روناک امامی^۲

زهرة نریمانی^۳

چکیده

بازیابی مصادر روایی تفسیر «التبیان» به شناسایی تاریخ شکل‌گیری تفسیر شیعه پیش از شیخ طوسی و نیز، نزدیک شدن به منابع اولیه حدیثی کمک می‌کند. افزون بر آن، شناسایی مصادر حدیثی راهی برای ارزیابی میزان اعتبار روایات تفسیر «التبیان» است که در ضمن آن، بخشی از تفاسیر مفقود کهن همچون تفسیر وزیر مغربی کشف و بازسازی می‌شوند. شیخ طوسی ۱۰۳۴ روایت از ائمه معصومین (ع) در «التبیان» ذکر کرده که مصدر یک چهارم این روایات، مصادر حدیثی و تفسیری شیعی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تفسیر جامع البیان طبری، مصدر حدود ۲۵۰ روایت از روایات تفسیر «التبیان» بوده است. تفسیر «المصابیح» وزیر مغربی نیز در ردیف دوم و پس از تفسیر «طبری»، مهمترین منبع روایات «التبیان» است. تفسیر وزیر مغربی با آنکه خود شیعی است، به سبب اتصال با منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت، به عنوان منبع واسطه برای «التبیان» عمل کرده است. با این همه، «نقل به معنا» و تغییر و تحول بسیار در متن روایات «التبیان» و نیز ابوجعفرهایی که کاملاً مشخص نیست به معصوم باز می‌گردد یا خیر، سبب شکل‌گیری ۱۴۰ مورد «روایات بدون مصدر» در تفسیر «التبیان» شده است. یافته‌ها و مقایسه روایات «التبیان» با مصادر اصلی نشان داد، منظور از «ابوجعفر» در روایات «التبیان»، همیشه امام باقر (ع) نیست، بلکه کنیه «ابوجعفر» مشترک میان امام معصوم، کلبی و طبری است. واژگان کلیدی: تفسیر «التبیان»، مصدریابی تفاسیر، نقل به معنا، جامع البیان طبری، المصابیح وزیر مغربی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۳ (مقاله پژوهشی)

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول) / azamfarjami@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد گروه الهیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه / r.114emami@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، کرمانشاه / zohrehnarimani92@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مسأله

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی از مفسران، محدثان، فقیهان و علمای بزرگ شیعی در قرن پنجم هجری است. او قریب ۱۰۳۴ روایت از ائمه معصومین (ع) در تفسیر خود گزارش کرده که مطالعات ما در این پژوهش نشان داد حدود یک چهارم این تعداد، در منابع حدیثی و تفسیری شیعه، قابل تطبیق و شبیه است. تقریباً ۲۶۰ روایت از روایات تفسیر «التبیین» را می‌توان در مصادر شیعه، چه حدیثی و چه تفسیری یافت. از این رو، منابع امامی یگانه منبع یا اهم منابع برای روایات تفسیر «التبیین» نیستند. پس از یافتن این نکته و حجم کم مصادر شیعی در تفسیر «التبیین»، پرسش اصلی این است که بقیه روایات تفسیری ائمه معصومین (ع) در «التبیین» بر اساس کدام منابع و مصادر گزارش شدند؟ به عبارت دیگر، شیخ طوسی چه کتاب‌هایی پیش‌رو داشته است که این روایات را از آن‌ها نقل کرده است؟

مطالعات ابتدایی این فرضیه را قوت بخشید که اقوال تفسیری و نیز، روایات اهل سنت به فراوانی در تفسیر «التبیین» دیده می‌شوند. برخی روایات به صحاح سته و برخی در تفاسیر کوچک و بزرگ اهل سنت نقل شدند. از این رو، پرسش دیگر این است که آیا به راستی شیخ طوسی به همه این منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت سر زده و به صورت مستقیم از آن‌ها استفاده کرده است یا منبع واسطه‌ای وجود داشته که شیخ طوسی بر مبنای آن، تفسیر خود را سامان داده است؟

این مقاله حاصل پژوهشی در قالب پایان‌نامه «بازشناسی مصادر روایی تفسیر التبیین» است که در دانشگاه رازی سامان یافته است. حسن رهبری (۱۳۸۷) در مقاله «روایت در تفسیر تبیان»، روش شیخ طوسی در گزارش روایت را با مثال‌هایی، مورد نقد و بررسی قرار داده است.

برجسته‌ترین پژوهش درباره تفسیر وزیر مغربی را مرتضی کریمی‌نیا (۱۳۹۴) با نگارش رساله «وزیر مغربی و روش‌شناسی المصابیح فی تفسیر القرآن» انجام داده است. وی در چند صفحه به مقایسه تفسیر وزیر مغربی با تفاسیر شیعه، از جمله «التبیین» طوسی پرداخته است.

محمد فریدونی مهرگان (۱۳۹۱) نیز در پایان‌نامه «بررسی تأثیرپذیری تفسیر تبیان شیخ طوسی از تفسیر جامع البیان طبری»، به مقایسه روش تفسیری «التبیین» و «جامع البیان» پرداخته و میزان تأثیرپذیری تفسیر «التبیین» شیخ طوسی از تفسیر «جامع البیان» طبری را مورد بررسی قرار داده است.

تفاوت این مقاله، با پژوهش‌های یادشده این است که مقاله حاضر برای مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای بین سه تفسیر مهم شیعه و سنی، جامعه آماری را بر روی روایات ائمه معصومین (ع) در تفسیر «التبیین» قرار داده و نقطه شروع جستجو و استقصای روایات را از این تفسیر آغاز کرده است تا بعد از مقایسه و ریشه‌یابی دو تفسیر دیگر، میزان شباهت و تفاوت روایات مشخص شود.

۲- «المصابیح» وزیر مغربی (۳۷۰-۴۱۸ ق)

یکی از تفاسیر کهنی که پژوهشگران معاصر به عنوان منبع «التبیان» معرفی کردند، تفسیر وزیر مغربی است (نک: کریمی نیا، ۱۳۹۴، ص ۳۱۰-۳۲۰).

ابوالقاسم حسین بن علی مشهور به وزیر مغربی از خاندانی ادیب و عالم بود که پدرانش در حلب، مصر و بغداد، وزیر و، کاتب حاکمان وقت بودند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۶۲/ ابن عدیم، بی تا، ج ۶، صص ۲۵۳۲-۲۵۳۳). به سبب یادکرد نجاشی در کتابش، همه رجال‌شناسان امامی، شیعی بودن وی را بدیهی دانستند و کتاب‌هایش را یاد کردند (برای نمونه، نک: ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۱۷۲/ علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۱۲۰/ خویی، ۱۹۹۲، ج ۷، ص ۴۷)، اما تنها برخی شرح حال نویسان اهل سنت وی را شیعی دانستند (ذهبی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۳۹۶/ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۱۰). شیخ طوسی در نقل روایت وزیر مغربی از فردی به نام «صابونی» یاد می‌کند (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۲۳) که ساکن مصر و مدتی زیدی مذهب بوده است (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۷۴) و احتمال دارد مذهب وزیر مغربی به وی نزدیک بوده و از شیعیان زیدی باشد.

به رغم آنکه کریمی نیا با کمک برخی شواهد متنی و اشعار وزیر مغربی، می‌کوشد وی را شیعی و به‌ویژه، امامی معرفی کند (کریمی نیا، ۱۳۹۴، صص ۷۷-۸۲)، به نظر می‌رسد، وزیر مغربی به سبب نقل از اساتید زیدی و نقل فراوان از منابع سنی، امامی مذهب نبوده است.

وزیر مغربی از بزرگان و نام‌آوران عصر شیخ طوسی بوده که با وجود حضور کم در بغداد، دانشمندان شیعی قرن پنجم بغدادی به او ارادت و توجه خاصی داشتند. از تفسیری که وی برای قرآن نگاشته، امروزه تنها نسخه‌های خطی ناقصی باقی مانده است. بر مبنای شواهدی به قطع و یقین می‌توان گفت، تفسیر وزیر مغربی منبع منحصر به فرد برخی روایات «التبیان» شیخ طوسی بوده است.

۲-۱- طوسی و نقل اقوال از وزیر مغربی

شیخ طوسی در تفسیر «التبیان»، نام «الحسین بن علی المغربی» را ۳۷ بار و «المغربی» را ۵۷ بار ذکر کرده است (برای نمونه، نک: طوسی، بی تا، ج ۱، صص ۴۸، ۲۸۱، ۳۰۹، ۳۱۸، ۳۸۹ و ج ۲، صص ۲۷۵، ۳۴۸، ۳۷۴ و ج ۳، صص ۲۲، ۱۰۴، ۱۳۶، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۴۱، ۲۵۶، ۳۰۲ و ج ۴، صص ۱۱، ۷۲، ۱۵۷ و ج ۵، صص ۱۲۳، ۲۰۳، ۲۰۸، ۳۴۶).

نکته مهم و قابل توجه این است که آخرین مورد ذکر اسم «الحسین بن علی المغربی» در تفسیر «التبیان» تا جلد پنجم و مربوط به آیه ۱۱ سوره یونس است و پس از آن تا پایان تفسیر، دیگر شاهد ذکر نامی از این مفسر نیستیم. این امر نشان می‌دهد به احتمال زیاد نسخه تفسیر وزیر مغربی که در دسترس شیخ طوسی قرار داشته، ناقص بوده یا تفسیر وزیر مغربی در اصل تفسیری برای کل قرآن نبوده است.

دلیل بر این فرضیه، نسخه‌های خطی موجود است که سه نسخه موجود، همگی ناقص هستند و کامل‌ترین آن‌ها تا پایان سوره اسراء است (کریمی نیا، ۱۳۹۴، صص ۱۰۴-۱۰۷).

از سوی دیگر، فرضیه دوم آن است که شیخ طوسی از مجلد پنجم به بعد کتابش (تقریباً شروع نیمه دوم تفسیر) رویکرد مبنایی خود را تغییر داده و کمتر به نقل و روایت در تفسیر پرداخته است. از این رو، عنایتش به تفسیر وزیر مغربی کاهش یافته است. مؤید این فرضیه، وجود همین الگوی کاهشی در برابر تفسیر «جامع البیان» طبری است.

چون هنوز تفسیر «المصابیح» به چاپ نرسیده، به نسخه چاپی آن دسترسی نداشتیم، اما عبدالکریم زهرانی^۱ در رساله دکتری خود، متن تفسیر وزیر مغربی از ابتدا تا سوره اسراء را تصحیح کرده است. بر آن اساس، مقایسه و تطبیق متن «التبیان» و «المصابیح» برای ما آشکار کرد که نقل‌های شیخ طوسی از تفسیر وزیر مغربی بسیار زیاد است و شامل نقل اقوال تفسیری و گاه، روایات تفسیری می‌شود. این نقل قول‌ها، به جز ۵۷ موردی که اشاره شد، معمولاً بدون ذکر نام وزیر مغربی و با لفظ «قیل» است.

مقایسه‌های ما نشان داد در بیشتر موارد، شیخ طوسی الفاظ و عبارات وزیر مغربی را تغییر می‌دهد. او معمولاً با روش «نقل به معنا»، (برای نمونه، نک: طوسی، بی‌تا، ج ۳، صص ۴۸۳، ۴۸۴، ۵۰۴/ زهرانی، ۱۴۲۱، صص ۳۸، ۳۷۷)، گاه با «خلاصه کردن» مطلب (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۶/ زهرانی، ۱۴۲۱، ص ۱۱۶)، گاه «تقطیع» و بریدن بخشی از جمله، و گاه، با «حذف یا تبدیل یا جابجایی» برخی کلمات (برای نمونه، نک: طوسی، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۴، ۲۹۲/ زهرانی، ۱۴۲۱، صص ۹۸ و ۹۹، ۱۴۶)، روایت یا سخن وزیر مغربی را گزارش می‌کند. به ندرت نیز روایت را کاملاً، مطابق نقل وزیر مغربی می‌آورد (برای نمونه، نک: طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۸/ زهرانی، ۱۴۲۱، ص ۲۱۳).

برای نمونه شیخ طوسی در «التبیان» می‌آورد: «و يُؤكِّدُ ذَلِكَ مَا رَوَاهُ عُمَرُ بْنُ شَيْبَةَ وَ غَيْرُهُ أَنَّ عَلِيًّا (ع) قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ، فَرَوَى ابْنُ شَيْبَةَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ كَأَنِّي بِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بِيَدِكَ عَصَا مِنْ عَوْسَجٍ تَسُوقُ قَوْمًا إِلَى الْجَنَّةِ وَ آخَرِينَ إِلَى النَّارِ» (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱۱). این روایت را وزیر مغربی از کتاب «تاریخ المدینة» ابن شَبَه (م. ۲۶۲ ق) در تفسیر «المصابیح» نقل کرده است: «رَوَايَةٌ عَنْ عُمَرَ بْنِ شَيْبَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ لِعَلِيِّ: كَأَنِّي بِي وَ بِيَدِكَ عَصَا عَوْسَجٍ تَذُوذُهُمْ عَنْ حَوْضِي» (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶) و در نسخه موجود «تاریخ المدینة» هم در روایتی بلندتر آمده است: «كَأَنِّي بِكَ تَذُوذُهُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَ فِي يَدِكَ عَصَا عَوْسَجٍ» (ابن شَبَه، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۷).

همانگونه که از مقایسه نقل‌ها برمی‌آید، وزیر مغربی، روایت ابن شَبَه را تقطیع و قلب کرده است، زیرا ابتدا و انتهای آن جابجا شده است.

۱. المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم للحسین بن علی المعروف بالوزیر المغربی (ت: ۴۱۸) من اول سورة الفاتحة الى آخر سورة الاسراء: دراسة و تحقیق، بحث مقدم لنیل درجة الدكتوراة، عبدالکریم بن صالح بن عبدالله الزهرانی، ۱۴۲۱، باشراف الدكتور علیان بن محمد الحازمی.

شیخ طوسی نیز مانند گزارش وزیر مغربی عمل کرده و با رعایت همان قلب و جابجایی نقل می‌کند. افزون بر آن، تغییراتی دیگر در سند و متن روایت وزیر مغربی داده است. به این صورت که نخست دو روایت را در هم کرده، به گونه‌ای که به نظر می‌رسد، ناقل حدیث «علی قسیم الجنة» هم، ابن شیهه است و هر دو خبر در یک متن آمدند. دوم آنکه نام عمر بن شیهه را به عمر بن شیهه تصحیف کرده است که این اشتباه شیخ طوسی از سوی مفسران پیرو او تکرار شده و حتی گاه باز هم اسم با تبدیل به عمرو بن شیهه، تحریف دوباره شده است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۶۲ / ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۰۵). سوم، نقل به معنایی که شیخ طوسی در الفاظ ایجاد کرده، باعث تبدیل و تغییر کلمات شده است. وی «تدودهم» (از ریشه ذود به معنای راندن و دور کردن) را به «تسوق» (از سوق به معنای از عقب راندن و راه بردن) تغییر داده و عبارت «قوما إلى الجنة و آخرین إلى النار» را از جانب خود به انتهای روایت افزوده است. پس این روایت، در نقل شیخ طوسی دچار قلب، تصحیف، نقل به معنا، تقطیع و ادراج شده است. گرچه تقطیع و قلب ابتدا از سوی وزیر مغربی در روایت ابن شیهه رخ داده و سپس، از سوی شیخ طوسی تکرار و تقلید شده است.

در مصدریابی تعداد زیادی از روایات «بالغ بر ۸۵ روایت»، طی جستجو در مصادر تفسیری و حدیثی فریقین، گاهی مصدری برای آن‌ها، جز تفسیر وزیر مغربی یافت نشد. بنابراین می‌توان گفت، تفسیر وزیر مغربی مصدر مهم شیخ طوسی و تأثیرگذارترین تفسیر شیعی بر تفسیر «التبیان» بوده است.

شایان ذکر است، مثال‌ها و نمونه‌هایی نشان می‌دهند که تفسیر وزیر مغربی در موارد زیادی منبع شیخ طوسی بوده است، اما همیشه و در همه اخبار روایات، منبع منحصر به فرد وی نیست. از این رو، به راحتی می‌توان نمونه‌هایی از اخبار تفسیری یافت که در تفسیر وزیر مغربی موجود است، اما در شمار روایات تفسیر «التبیان» ذکر نشدند (برای نمونه، نک: کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، صص ۱۷۶، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۲۵).

۲-۲- نقل از منابع سنی به جای منابع شیعی

نکته جالب توجه آن است که منابع کهن شیعی خبر فضیلت گونه دربارۀ عصای عوسج امام علی (ع) را آوردند و مشابه سند و متن ابن شیهه نقل کردند (نک: کوفی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۶۲)، اما شیخ طوسی چون تفسیر وزیر مغربی را منبع قرار داده، این دسته روایات شیعی را از مجرای منابع اهل سنت دریافت کرده و به نقل و گزارش منابع شیعی از یک روایت توجهی نداشته است. نمونه‌های فراوان دیگری می‌توان برشمرد که با وجود نقل روایت در منابع شیعی، شیخ طوسی به پیروی از وزیر مغربی، منابع اهل سنت را برای گزارش روایاتش برگزیده است. برای مثال، برای تفسیر «ذی القربی»، وزیر مغربی (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶) و شیخ طوسی (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۳) با کمک منابع اهل سنت، مانند تفسیر طبری، آن را به اهل بیت (ع) باز می‌گردانند. این در حالی است که منابع حدیثی و تفسیری شیعی این روایت تفسیری را نقل کردند (برای نمونه، نک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۸ / عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۱ / کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۵۳۹). برای نمونه دیگر از روایات تفسیری موجود

شیعی و تأثیر شیخ طوسی از وزیر مغربی و منابع وی، بنگرید (کریمی نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸/ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۱۲۰).

۳- «جامع البیان» طبری

با آنکه برخی روایات مشترک در تفسیر «التبیین» و تفاسیر اهل سنت مانند طبرانی (م. ۳۶۰ ق)، سمرقندی (م. ۳۸۳ ق)، ثعلبی (م. ۴۲۷ ق) و ماوردی (م. ۴۵۰ ق) وجود دارند (برای نمونه، نک: طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۰/ طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۲۱۳/ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۸۲)، نمی توان به یقین گفت که شیخ طوسی از آن‌ها استفاده مستقیم کرده است، زیرا برخی همچون ثعلبی و ماوردی هم عصر وی بودند و مشخص نیست که شیخ حتماً تفاسیر آن‌ها را دیده باشد و از برخی مفسران مانند طبرانی و سمرقندی هیچ نام و یادکردی در تفسیر «التبیین» دیده نشد. با اینهمه می توان با قطع و یقین گفت، در میان تفاسیر اهل سنت، بی تردید شیخ طوسی، تفسیر جامع «البیان» طبری را در اختیار داشته است.

با مقایسه متن تفسیر شیخ طوسی و طبری و همچنین، توجه به ذکر شدن نام «الطبری» بالغ بر ۱۶۰ بار در متن تفسیر «التبیین» (برای نمونه، نک: طوسی، بی تا، ج ۱، صص ۹، ۴۸، ۶۰، ۱۲۰، ۱۵۰، ۲۰۱ و ج ۲، صص ۷۷، ۱۰۷، ۱۹۷، ۲۴۱ و ج ۵، صص ۵۵، ۱۹۰، ۳۹۰)، می توان با قاطعیت اعلام کرد که یکی از مهمترین مصادر روایی تفسیر «التبیین»، تفسیر «جامع البیان» طبری بوده است. در بیشتر موارد، شیخ طوسی پس از نشان دادن معرکه آراء مختلف تفسیری، با آوردن عبارت «هو اختیار الطبری» یا «اختاره الطبری» نظر نهایی را اعلام می کند (نک: طوسی، ج ۳، صص ۳۶، ۸۴، ۸۷، ۹۰، ۱۹۲ و...).

گفتنی است، روند ذکر نام طبری در همه مجلدات «التبیین» ثابت نیست و بیشتر رویکرد کاهشی دارد. تا جلد سوم به نام وی در متن تفسیر به دفعات اشاره می شود، اما از جلد چهارم تا پایان تفسیر (جلد دهم)، با آمار کاهشی، نام طبری در متن ذکر می شود. گرچه باید گفت، در مجلدات چهارم به بعد هم، تأثیرگذاری طبری به صورت نهان و غیر آشکار در تفسیر «التبیین» محسوس است، زیرا محقق کتاب به همان میزان مجلدات اول، مطالب تفسیری شیخ طوسی را در پاورقی به تفسیر طبری مستند می کند (برای نمونه، نک: طوسی، بی تا، ج ۴، پاورقی صص ۶۵، ۱۰۳، ۱۶۸ و...). احتمال دارد شیخ طوسی هم زمان با نگارش، تفسیر را تدریس می کرده یا به جمعی از عالمان شیعی عرضه می داشته که سبب انتقاداتی بر وی شده و از تصریح و ذکر نام طبری، رفته رفته خودداری کرده است به گونه ای که در جلد دهم تنها در یک صفحه به نام طبری، دو بار اشاره کرده است (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۹۸).

کریمی نیا که سال‌ها تفسیر «التبیین» را به عنوان پژوهش خاص دانشگاهی محور مطالعه خود قرار داده است، تأثیر پذیری «التبیین» از تفسیر طبری را چنین وصف می کند: «طوسی، بدنه تفسیر خود را از تفسیر طبری گرفته و به آن، شکل دلخواه خود را داده است» (کریمی نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰). این داوری با توجه به مثال‌های متعددی که

یافتیم و مقایسه‌ای که میان لفظ به لفظ احادیث مشترک دو تفسیر انجام دادیم، کاملاً درست و بجا می‌نماید. برای تفصیل بیشتر و اثبات آن، مثال‌های متعدد و روش‌شناسی نقل آنها در ذیل می‌آید.

۱-۳- روش نقل طوسی از طبری

شیخ طوسی اکثراً روایات را بدون ذکر منبع در تفسیر «التبیین» ذکر می‌کند، اما وی در هفت مورد از روش همیشگی خود عدول کرده و روایات را با عباراتی مثل «رواه الطبری» (طوسی، بی‌تا، ج ۵، صص ۱۲۳ و ج ۶، صص ۲۵۵ و ج ۱۰، ص ۹۸)، «ذکره الطبری» (همان، ج ۵، صص ۱۴۸، ۴۶۱) و «روی الطبری باسناده» (همان، ج ۶، صص ۲۲۳ و ج ۱۰، ص ۹۸) قرین کرده که به روشنی نشان می‌دهد مصدر این روایات، تفسیر طبری است. روال نقل اقوال تفسیر طبری در تفسیر «التبیین» چنین است که معمولاً شیخ طوسی اقوال صحابه و تابعین مذکور در تفسیر طبری را خلاصه کرده، سلسله سند کامل آن‌ها را حذف نموده و تنها راوی قبل از قائل و گوینده را نگه داشته است. سپس، در ادامه آن‌ها می‌نویسد: «هو المروى عن أئمتنا (ع)»، «هو المروى فى اخبارنا» و «هو المروى عن أبى جعفر و أبى عبد الله (ع)» (برای نمونه، نک: طوسی، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۰، ۹۲ و ج ۲، صص ۸۶، ۱۰۲، ۱۶۶، ۲۲۸ و ج ۳، صص ۱۰۲، ۳۱۲، ۳۱۳ و ج ۴، صص ۴۴، ۴۵، ۶۱). به نظر می‌رسد، «شکل دلخواهی» که کریمی نیا از آن یاد کرده، در حقیقت شیعی‌تر کردن تفسیر طبری است که شیخ طوسی این استنادات کلی را در انتهای برخی اقوال که به نظرش در روایات ائمه (ع) شواهدی دارند، به عنوان تطبیق با تفسیر اهل بیت (ع) افزوده است.

برای نمونه در تفسیر آیه ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَ عَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره: ۲/۲۳۶): «اگر زنان را مادامی که با آنان نزدیکی نکرده یا برایشان مهتری معین نکرده‌اید، طلاق گویند، بر شما گناهی نیست، و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره‌مند کنید، توانگر به اندازه [توان] خود، و تنگدست به اندازه [وسع] خود. [این کاری است] شایسته نیکوکاران»، که درباره مهریه زن مطلقه‌ای است که به عقد در آمده است، شیخ طوسی می‌آورد: «وَ مُتَّعَةُ الَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا وَ لَا يُسَمَّى لَهَا صَدَاقٌ عَلَى قَدْرِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ، قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ الشَّعْبِيُّ وَ الرَّبِيعُ: خَادِمٌ أَوْ كِسْوَةٌ أَوْ رِزْقٌ، وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)» (طوسی، بی‌تا، ج ۲، صص ۲۶۹). شیخ طوسی به درستی و موجز، این خبر تفسیری را خلاصه می‌کند، زیرا طبری برای نقل ابن‌عباس سه سند مختلف و برای خبر شعبی نیز با سه سند متفاوت و کامل و به جز روایت تفسیری ربیع بن انس، سه قائل و متن متفاوت دیگر می‌آورد که همگی با تکرار سلسله راویان سند و متن کامل همراه است و سبب طولانی شدن گزارش یک رأی تفسیری می‌شود (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، صص ۳۲۸). نکته جالب آن است که در هیچ یک از منابع شیعه و سنی، روایتی از صادقین (ع) یافت نشد که بر خبر تفسیری فوق، دلالت داشته باشد و تنها طبرسی (م. ۵۴۸ ق) از «التبیین» شیخ طوسی تقلید کرده، استناد به صادقین (ع) را به این صورت «الْمُتَّعَةُ خَادِمٌ أَوْ كِسْوَةٌ أَوْ رِزْقٌ عَنِ ابْنِ

عباس و الشعبي و الربيع و هو المروزي عن أبي جعفر و أبي عبد الله» گزارش کرده است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۹۵).

به طور کلی، با آمارگیری و شمارش ما، تقریباً نزدیک به ۲۵۰ روایت و حدیث مرفوع به معصومین (ع) در تفسیر «التبیان» و تفسیر طبری به صورت مشترک یافتیم و می توان گفت، در این تعداد روایت، تفسیر طبری مصدر و منبع طوسی بوده است. گفتنی است در موارد زیادی از آن ها، منبع تفسیری یا حدیثی دیگری از منابع شیعه و سنی که روایت را مطابق نقل شیخ طوسی گزارش کرده باشد، یافت نشد و قطعاً مصدر انحصاری شیخ طوسی، طبری بوده است.

به عنوان نمونه، روایت ذیل از تفسیر «التبیان» فقط در تفسیر طبری ذکر شده است: «رَوَى أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ عَنِ النَّبِيِّ (ص): أَنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ قَالَ: الرَّحْمَنُ رَحْمَنُ الدُّنْيَا وَ الرَّحِيمُ رَحِيمُ الْآخِرَةِ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹). روایت مذکور در تفسیر طبری چنین گزارش شده است: «حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ الْفَضْلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ الْعَلَاءِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَيَّاشٍ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ وَ مِسْعَرِ بْنِ كِدَامٍ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ يَعْنِي الْخُدْرِيَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ قَالَ: الرَّحْمَنُ رَحْمَنُ الْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا، وَ الرَّحِيمُ رَحِيمُ الْآخِرَةِ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۳). مقایسه روایات حاکی از آن است که شیخ طوسی سند را قصر نموده و «رحمن الآخرة و الدنيا» در متن روایت «التبیان» به صورت «رحمن الدنيا» ذکر شده است.

روایت «رَوَى أَبُو قَلَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ: نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ: أَمْرٍ وَ رَجْرٍ وَ تَرْغِيبٍ وَ تَرْهِيْبٍ وَ جَدَلٍ وَ قِصَصٍ وَ أَمْثَالٍ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۷)، در تفسیر طبری به صورت ذیل آمده است: «(حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ زَكْرِيَّا عَنْ عَوْفٍ عَنْ أَبِي قَلَابَةَ قَالَ بَلَّغَنِي أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أُنزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ أَمْرٍ وَ رَجْرٍ وَ تَرْغِيبٍ وَ تَرْهِيْبٍ وَ جَدَلٍ وَ قِصَصٍ وَ مَثَلٍ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۴) و در تفسیر ماوردی نیز چنین «رَوَى عَوْنٌ، عَنْ أَبِي قَلَابَةَ قَالَ: بَلَّغَنِي أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أُنزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ: أَمْرٍ، وَ نَهْيٍ، وَ تَرْغِيبٍ، وَ تَرْهِيْبٍ، وَ جَدَلٍ، وَ مَثَلٍ، وَ قِصَصٍ» (ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹) گزارش شده است. مقایسه روایات حاکی از آن است که تفسیر طبری مصدر شیخ طوسی برای اخذ روایت مورد بحث بوده است با این تفاوت که شیخ طوسی، سه راوی از زنجیره راویان روایت طبری انداخته و «ابوقلابه» را به «ابوقلامه»، «نزل» را به «أنزل» و «مثل» را به «أمثال» تصحیف کرده است. همانطور که ملاحظه می شود، این تحریف از نوع تصحیف دیداری است که کلمات یا حروف به مشابه خود تغییر یافته اند.

تغییر و تحولات دیگری نیز در متن احادیث طبری هنگام گزارش در تفسیر «التبیان» رخ داده است. برای مثال، کلمه «الآخرة» از متن یک حدیث «افتاده» که سبب تغییر معنای دلالت تفسیری حدیث هم شده است (نک: طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹ / طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۳)، اما در بیشتر موارد، شیخ طوسی احادیث طبری را «تقطیع»، «نقل به معنا» و اغلب «تلخیص» کرده است (برای نمونه های بیشتر نک: طوسی، بی تا، ج ۳، صص

۴۹۵ و ۴۹۶ / طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۱۲۲ / طوسی، بی تا، ج ۴، صص ۱۳، ۲۹، ۲۰۷ / طبری، ۱۴۱۲، ج ۷، صص ۱۳-۱۴، ۴۵-۴۶، ۱۸۴ (...).

۳-۲- نقل طبری از ائمه شیعه

نکته جالب توجه آن است که بسیاری از روایات تفسیری امامان شیعی از طریق و مجرای تفسیر طبری به دست شیخ طوسی و سرانجام تفاسیر شیعه رسیده است. در این موارد، با دو حالت روبرو هستیم:
الف) گاه روایتی که شیخ طوسی از طریق تفسیر طبری و اسناد سنی به شیعه بازگردانده، در منابع شیعه اصلاً گزارش نشده است.

برای نمونه می توان به تفسیر امام باقر درباره آیه ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره: ۸۳/۲): «و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویند»، اشاره کرد که امام، خوش خلقی را با «همه» مردم، و نه فقط با مؤمنان، تفسیر می کنند و مفسران و محدثان اهل سنت آن را گزارش کرده اند (ابن ابی دنیا، ۱۴۱۰، ص ۱۷۶ / طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۱۱ / ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۱۶۱) و شیخ طوسی نیز متأثر از تفسیر طبری آن را نقل کرده است (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۰)، اما منابع شیعی این روایت را ندارند.^۱

ب) گاهی آن روایت تفسیری در منابع شیعی موجود است، اما چون شیخ طوسی این منابع را مصدر تفسیر خود قرار نداده، به نسخه شیعی روایت توجه نداشته است.

برای این مورد نیز می توان به تفسیر آیه ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى...﴾ (بقره: ۲۳۸/۲): «بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید...»، اشاره کرد که مفسران اهل سنت، «الصَّلَاةِ الْوُسْطَى» را به نقل از «پیامبر (ص)» و «امام علی (ع)»، به نماز عصر تفسیر می کنند (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، صص ۳۴۲-۳۴۴ و ج ۲۳، ص ۹۹ / طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۱، صص ۴۳۰-۴۳۱) و محدثان شیعه نیز آن را به نماز عصر، اما به نقل از «امام باقر» (ع) گزارش کردند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۷۱ / صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، صص ۱۹۵-۱۹۶. قمی نیز از «امام صادق (ع)» این خبر را نقل می کند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۷۹). در این میان، شیخ طوسی همگام با مفسران اهل سنت تفسیر «الصَّلَاةِ الْوُسْطَى» به نماز عصر را به نقل از پیامبر (ص) و امام علی (ع) گزارش می کند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۵).

نوع نقل شیخ طوسی که همراه کردن روایت تفسیری امام (ع) با قائلانی چون ابن عباس و حسن است، ما را به مصدر بودن تفسیر طبری از میان دیگر منابع سنی، رهنمون می کند. این نمونه ها به خوبی نشان می دهد که شیخ

۱. گفتنی است، کریمی نیا روایتی از امام باقر (ع) درباره خوش رفتاری را منشأ شیعی این روایت می داند که به نظر ما دلالت آن خبر با خبر تفسیری «التبیین» متفاوت است (نک: کریمی نیا، ۱۳۹۴ ش، ص ۲۰۴).

طوسی در نگارش تفسیر «التبیان»، بیش از همه از منابع اهل سنت و بویژه، از تفسیر طبری بهره برده است و حتی برخی از روایات تفسیری امامان شیعه را از مجرای مصادر اهل سنت دریافت کرده است.

۴- روایات بدون مصدر در «التبیان»

روشی که شیخ طوسی در انتخاب و گزارش از تفاسیر «المصابیح» وزیر مغربی و «جامع البیان» طبری استفاده کرد، چندین عارضه در پی داشت. از مهمترین آن‌ها، این است که حجم قابل توجهی از روایات بدون منبع که بیشتر آن‌ها را نخستین بار شیخ طوسی نقل کرده، در «التبیان» شکل گرفته است. حدود ۱۴۰ روایت در تفسیر «التبیان» ذکر شدند که در مرحله بازیابی مصادر، مصدري برای آن‌ها یافت نشد. چند احتمال در مورد این روایات - که آن‌ها را روایات بدون مصدر می‌نامیم - وجود دارد.

احتمال اول) شیخ طوسی روایات را «نقل به معنا» نموده تا حدی که شناسایی مصدر اصلی ناممکن می‌شود؛ احتمال دوم) یافت نشدن مصدر تعدادی از روایات «التبیان» شیخ طوسی، بیانگر وجود مصدري است که الان «مفقود» بوده و در دسترس ما قرار ندارند؛

احتمال سوم) نسخه‌برداران «ابوجعفر»‌هایی را که شیخ طوسی در تفسیر «التبیان» نوشته، به امام باقر (ع) منتسب نمودند. در نتیجه، طبیعی است که در منابع تفسیری و حدیثی یافت نشوند.

۴-۱- نقل به معنا و تغییر روایت

وزیر مغربی به سبب شرایط خاص زندگی‌اش، روایات تفسیری را فراوان «نقل به معنا» کرده است، زیرا در طول زندگی کوتاه خود، مدام در حال گریز و فرار بوده و به منابع تفسیری خود، دسترسی حضوری و مستقیم نداشته است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶). این پدیده دست‌کاری و جابجایی کلمات و جملات در نمونه روایات، به خوبی مشهود است. از سوی دیگر، مشاهده شد که شیخ طوسی نیز الفاظ حدیث وزیر مغربی را تغییر داده و نقل به معنا کرده است. از این رو، دلیل ناشناخته ماندن مصدر برخی روایات تفسیر «التبیان»، می‌تواند این پدیده باشد که به سبب تغییر چندباره از سوی وزیر مغربی و شیخ طوسی، با هیچ منبع حدیثی کهن قابل تطبیق نیست.

این روایات به رغم جستجوهای فراوان در منابع تفسیری و حدیثی فریقین، مصدري نداشتند و میان آن‌ها و اخبار تفسیری موجود، مشابهت لفظی یا محتوایی نیافتیم. به همین دلیل به نظر می‌رسد، مصدر آن‌ها مفقود شده و به دست ما نرسیده است یا در حالت دوم، نقل به معنا و تغییرات متعدد، آن‌ها را از مصادر حدیثی و تفسیری آشنایی که ما می‌شناسیم، دور کرده است (برای نمونه روایات نک: طوسی، بی‌تا، ج ۱، صص ۱۱۱، ۲۸۰، ۴۰۷ و ج ۲، صص ۱۱۶، ۳۱۸ و ج ۳، صص ۵۳، ۲۵۴، ۳۵۰ و ج ۵، صص ۱۳۳ و...).

برای نمونه، این روایت تفسیر «التبیان» که به امام صادق (ع) نسبت داده شده، مصدر و منبعی نداشت: «رَوَى عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّمَا صَرَبَ اللَّهُ بِالْبُعُوضَةِ لِأَنَّ الْبُعُوضَةَ عَلَى صِغَرِهِ خَلَقَ فِيهَا جَمِيعَ مَا

فِي الْفِيلِ عَلَى كِبَرِهِ وَ زِيَادَةِ عُضْوَيْهِ آخَرَيْنِ. فَأَزَادَ اللَّهُ أَنْ يُبَيِّنَهُ بِذَلِكَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى لُطْفِ خَلْقِهِ وَ عَجِيبِ عَظْمِ صُنْعِهِ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۱).

گرچه یک جمله از روایت با پاره‌ای از سخن یکی از مفسران قرن چهارم اهل سنت، شباهت دارد: «لِأَنَّ خَلْقَةَ الْبُعُوضَةِ أَعْجَبَ خَلْقَةَ لِأَنَّ خَلْقَهَا تَشْبَهُ خَلْقَةَ الْفِيلِ قِيلَ إِنَّ الْبُعُوضَةَ مَا دَامَتْ جَائِعَةً عَاشَتْ فَإِذَا شَبِعَتْ مَاتَتْ فَكَذَلِكَ إِذَا الْأَدَمِيَّ اسْتَعْنَى» (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۷). احتمال دارد شیخ طوسی و سمرقندی، منبع مشترکی داشتند که سمرقندی آن را از قالب روایات خارج کرده یا منبع شیخ طوسی، بدان قالب روایت بخشیده یا صرفاً اتفاق و بخت است که دو متن مفسر، شباهتی با هم دارند.

البته، نمی‌توان از نقش وزیر مغربی در جابجایی الفاظ و تعابیر احادیث چشم پوشید، بویژه که مغربی گاهی برخی از روایان خود را با کنیه‌های شبیه‌انم (ع) یاد کرده است، مثلاً به بلخی، ابوجعفر و به کاتب نعمانی، ابوعبدالله گفته است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵).

گفتنی است، میزان نقل به معنا و تغییر کلمات وزیر مغربی بیش از شیخ طوسی است. وقتی شیخ طوسی و وزیر مغربی هر دو از منبع مشترکی مانند طبری استفاده می‌کنند، خبر شیخ طوسی بیشتر شبیه متن تفسیر طبری است (نک: کریمی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵ / طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۳). احتمالاً دائم در حال سفر بودن وزیر مغربی و جابجایی بین شهرها و از سوی دیگر، سمت‌های سیاسی و اجرایی او، به رغم حافظه و نبوغش، مانع از دقت و ضبط کامل وی هنگام گزارش روایات تفسیری شده است.

۴-۲- مصادر مفقود و از دست‌رفته

یافت‌نشدن مصدر تعدادی از روایات «التبیان» شیخ طوسی، بیانگر وجود مصادری است که الان مفقود هستند و در دسترس ما قرار ندارند. پس باید به دنبال مصادر و منابعی بود که شیخ طوسی از آن‌ها استفاده کرده و به دست ما نرسیده است. این امر دور از انتظار نیست، زیرا تاریخ ثبت کرده که در فتنه‌های طائفیه شهر بغداد، بسیاری از کتاب‌های کتابخانه شیخ طوسی در آتش‌سوزی از بین رفته و او مجبور به مهاجرت به نجف شده است (علامه حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۵۰).

از سوی دیگر، روشن و قطعی است که شیخ طوسی بعضی از روایات را از تفاسیری همچون تفاسیر معتزلیان یا از بخش‌های مفقود تفسیر وزیر مغربی گرفته یا از کتب اساتید یا هم شاگردی‌هایش، اما به دلیل عدم دسترسی، امکان مقایسه و تعیین مصدر وجود ندارد.

معتزله رویکرد فکری غالب مفسران قرون سوم و چهارم هجری است. ابوعلی جبایی (م. ۳۰۳ ق)، ابوالقاسم بلخی (م. ۳۱۹ ق)، ابومسلم اصفهانی (م. ۳۲۲ ق) و رمانی (م. ۳۸۴ ق) از سردمداران اندیشه اعتزالی در کلام و تفسیر بودند. شیخ طوسی در مقدمه «التبیان»، تفسیر محمد بن بحر اصفهانی و علی بن عیسی رمانی را از بهترین تفاسیری دانسته که تاکنون نوشته شده و از آن‌ها به نیکی یاد می‌کند (طوسی، بی تا، ج ۱، صص ۱-۲).

همچنین، از تفسیر جبایی به صورت «قال الجبائی: فی التفسیر» (همان، ج ۴، ص ۲۹۷) و از تفسیر بلخی نیز به صورت «حکی البلخی فی کتاب التفسیر» (همان، ج ۱، ص ۱۳) یاد کرده است.

جستجوهای ما نشان داد نام «جبایی» بیش از ۷۵۰ بار (ابوعلی الجبایی ۸۲ بار)، «البلخی» بیش از ۳۹۰ بار (ابوالقاسم البلخی ۲ بار)، «ابومسلم» بیش از ۳۰ بار (ابومسلم محمد بن بحر ۹ بار)، «النقاش» ۸ بار، «الرمانی» بیش از ۳۳۰ بار، در تفسیر «التبیین» آمده است. بدیهی است که تفاسیر افراد مذکور در مواردی مصدر روایات «التبیین» نیز بوده‌اند، گرچه همه این تفاسیر اکنون از دست رفته‌اند و در دسترس نیستند.

۴-۳- مراد از «ابوجعفر» در «التبیین»

نسخه‌برداران تفسیر تبیان، «ابوجعفر»‌هایی را که شیخ طوسی در تفسیر «التبیین» آورده است، به امام باقر (ع) منتسب نمودند. در نتیجه، طبیعی است که در منابع تفسیری و حدیثی، این دسته روایات یافت نشوند.

سالها پیش، صالحی نجف‌آبادی نخستین بار در دلالت و بازگرداندن همه «ابوجعفر»‌های متون تفسیری شیعه به امام باقر (ع) تردید کرد (نک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲). البته، وی این انتساب‌های اشتباه را بر اساس تفسیر «مجمع البیان» استخراج کرده بود، اما از آنجا که منبع اصلی تفسیر «مجمع البیان»، «التبیین» شیخ طوسی است، باید ریشه آن‌ها را در «التبیین» جست. شیخ طوسی در این کتاب روایاتی به «ابوجعفر» نسبت می‌دهد که همگی در نگاه اول، به نظر می‌رسد از امام باقر (ع) نقل شده باشند، اما مصدربیایی و جستجوی بیشتر، خلاف این امر را نشان می‌دهد.

از آنجا که کنیه «ابوجعفر» میان امام باقر (ع)، طبری و نیز شخص شیخ طوسی مشترک است، در بازگشت دادن این کنیه به صاحب آن در متن «التبیین» باید دقت مضاعف کرد. کریمی‌نیا فرد چهارمی را به این سه تن افزوده است،^۱ زیرا وی بر این باور است که وزیر مغربی، برخی روایات تفسیر محمد بن سائب کلبی (م. ۱۴۶ ق) را با کنیه ابوجعفر نقل کرده است (کریمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴). این امر از آن روخ داده که تفسیر کلبی نزد مفسران کهن و در قرن‌های دوم و سوم مطرود بوده است به گونه‌ای که به هنگام نقل از کلبی در سند، به نام وی تدلیس و با کنیه‌های ابونضر یا ابوسعید از وی یاد می‌کردند. بر این اساس، وزیر مغربی که خود به سبب اتصال با دربار فاطمیان مصر در معرض اتهامات سیاسی بوده، کوشیده موافق با جریان عامه از تصریح به نام کلبی خودداری کرده و از او با کنیه ابوجعفر یاد کند (همان، ص ۱۳۵). در پایان‌نامه‌های دانشگاهی نیز به بررسی کنیه ابوجعفر در تفسیر «التبیین» پرداخته شده است (نک: کریمی‌نیا، ۱۳۹۴/پهلوانی‌زاده خنامان، ۱۳۹۴).

به طور کلی جستجوها نشان داد که در برابر روایت‌های منتهی به ابوجعفر تفسیر «التبیین»، با سه دسته روایت

روبرو هستیم:

^۱. گفتنی است، کریمی‌نیا در پژوهشی که بر روی متن تفسیر وزیر مغربی انجام داده، است کلبی را نیز به عنوان مرجع کنیه ابوجعفر معرفی می‌کند (کریمی‌نیا، ۱۳۹۴ش، ص ۱۸۵).

دسته اول: روایت منقول از ابوجعفر محمد بن علی باقر (ع) است که در مقایسه با سایر منابع، این مطلب اثبات می‌شود. نمونه‌های اندکی یافت می‌شود که مراد شیخ طوسی از ابوجعفر به صورت مطلق، امام باقر (ع) باشد. درباره درستی و تطبیق این نمونه‌ها هم همیشه با قاطعیت نمی‌توان اظهار نظر کرد، چون معمولاً الفاظ به صورت مشابه یا نقل به معنا، گزارش شدند.

برای مثال در تفسیر آیه ﴿... سَيُطَوَّفُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾ (آل عمران: ۱۸۰/۳): «به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود»، شیخ طوسی می‌آورد: «أنها نزلت في مانعي الزكاة، وهو قول أبي جعفر (ع)» (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۶۴). دو منبع امامی، روایتی نسبتاً طولانی و متصل به امام باقر (ع) می‌آورند و آیه را به کسی که زکات نمی‌پردازد، باز می‌گردانند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۷/کلبینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۰۴). گرچه طبری هم، همین تفسیر را قائل است و می‌تواند به وی نیز بازگشت داشته باشد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۲۷)؛

دسته دوم: روایت منقول از ابوجعفر طبری است که از مقایسه با متن طبری چنین نتیجه‌ای به دست می‌آید و نمونه‌های متعددی برای آن دیده می‌شود.

برای این دسته، می‌توان مثال یهودی و نصرانی نبودن ابراهیم (ع) را مطرح کرد. شیخ طوسی ذیل آیه ﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (آل عمران: ۶۷/۳): «ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق‌گرایی فرمانبردار بود، و از مشرکان نبود»، روایتی از ابوجعفر گزارش می‌کند، دال بر قول یهودیان و نصاری که هر یک، ابراهیم (ع) را هم‌کیش و هم‌دین خود می‌پنداشتند: «ذَكَرَ الْحَسَنُ وَفَتَادَةُ وَعَامِرٌ وَهُوَ الْمُرَوِّى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع): أَنَّ الْيَهُودَ قَالَتْ: كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا، وَقَالَتِ النَّصَارَى كَانَ نَصْرَانِيًّا، فَأَكْذَبَهُمُ اللَّهُ فِي ذَلِكَ بِانزَالِ هَذِهِ الْآيَةِ» (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۲).

طبری چندین جا در تفسیر خود، به بحث حنیف بودن ابراهیم (ع) و یهودی و نصرانی نبودن وی اشاره می‌کند. یک بار نیز سخن و داوری طبری با کنیه ابوجعفر یاد می‌شود: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: الْحَنِيفُ عِنْدِي هُوَ الْإِسْتِقَامَةُ عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ وَاتِّبَاعِهِ عَلَى مِلَّتِهِ...» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۴۱).

طبری در موارد دیگر با چندین سند، متن نقل شده شیخ طوسی را بیان کرده است: «حَدَّثَنَا بِشْرٌ، قَالَ: ثَنَا يَزِيدُ، قَالَ: ثَنَا سَعِيدٌ عَنْ فَتَادَةَ قَوْلُهُ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ يَقُولُ: لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَتُرْعَمُونَ أَنَّهُ كَانَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا...» و «حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ شَاهِينَ الْوَاسِطِيُّ، قَالَ: ثَنَا خَالِدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ دَاوُدَ عَنْ عَامِرٍ، قَالَ: قَالَتِ الْيَهُودُ: إِبْرَاهِيمُ عَلَى دِينِنَا، وَقَالَتِ النَّصَارَى: هُوَ عَلَى دِينِنَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا الْآيَةَ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، صص ۲۱۶ و ۲۱۷).

نکته جالب توجه این است که با آنکه طبری عموماً مطابق تفسیر «التبیان» گزارش دهی می‌کند و تحت تأثیر آن است، در این مورد، روایت را از ابوجعفر امام باقر (ع) نقل نکرده، بلکه چنین آورده است: «قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ وَ الْحَسَنُ وَ فَتَادَةُ: إِنَّ أَحْبَارَ الْيَهُودِ وَ نَصَارَى نَجْرَانَ اجْتَمَعُوا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَنَازَعُوا فِي إِبْرَاهِيمَ فَقَالَتِ الْيَهُودُ: مَا كَانَ

إِلَّا يَهُودِيًّا وَ قَالَتِ النَّصَارَى: مَا كَانَ إِلَّا نَصْرَانِيًّا فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۶۸/ برای موارد بیشتر نک: طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۵۶/ طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۸۰/ طوسی، بی تا، ج ۵، صص ۸۴ و ۸۵/ طبری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۱۲۷ و...):

دسته سوم: ممکن است طبق فرضیه کریمی نیا بر اساس تفسیر وزیر مغربی، منظور از «ابوجعفر»، کلبی باشد و شیخ طوسی، روایت کلبی را گزارش می کند.

جای شگفتی است که برای دسته سوم نیز مثال های متعددی می توان یافت. در تفسیر عبارت «مَثَابَةٌ لِلنَّاسِ» در آیه ﴿وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا...﴾ (بقره: ۱۲۵/ ۲): «و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم...»، شیخ طوسی می نویسد: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ لَا يَقْضُونَ مِنْهُ وَ طَرَأَ» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۱). چنین تفسیری برای «مَثَابَةٌ» را بیشتر مفسران کهن اهل سنت از جمله طبری به مجاهد نسبت می دهند (سفیان الثوری، ۱۴۰۳، صص ۴۸-۴۹/ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۲۰)، اما کتاب اخبار مکه با سلسله سند، این خبر تفسیری را به «کلبی» می رساند (ازرقی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۳). بنابراین، این مثال می تواند شهادی دیگر برای اثبات فرضیه تقلید شیخ طوسی از وزیر مغربی در ارجاع برخی ابوجعفرها به کلبی باشد.

نمونه دیگر روایت «وَ قَالَ الزَّجَّاجُ: اَلرَّبُّ عَشْرَةُ اَلْآلِفِ وَ هُوَ الْمُرْوِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)» است (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱) که با مقایسه سندها مشخص می شود مراد از ابوجعفر، همان کلبی است (نک: طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۱۴۲/ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۵۵/ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۸۱/ برای نمونه های بیشتر مراجعه و مقایسه کنید: طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۹۶/ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۷۶).

نتیجه گیری

اگر بخواهیم جمع مصادر روایات «التبیین» را دسته بندی شده بنگریم، می توان خلاصه آن را در جدول زیر مشاهده کرد:

ردیف	مصادر و دسته بندی روایات	تعداد روایات
۱	روایات اخذ شده از مصادر حدیثی شیعه	۶۲
۲	روایات اخذ شده از مصادر حدیثی اهل سنت	۳
۳	روایات اخذ شده از «المصابیح» وزیر مغربی	۸۵
۴	روایات اخذ شده از دیگر تفاسیر شیعه	۱۱۲
۵	روایات اخذ شده از «جامع البیان» طبری	۲۵۰
۶	روایات اخذ شده از دیگر تفاسیر اهل سنت	۱۳۵
۷	مصادر لغوی و مصادر متفرقه	۱۷

۱۴۰	روایات بدون مصدر	۸
۲۳۰	روایات مشترک بین منابع شیعی، بین منابع سنی و بین منابع شیعی و سنی	۹
۱۰۳۴	جمع کل روایات تفسیر «التبیین»	

همانطور که از مقایسه آمار جدول می‌توان مشاهده کرد، پراستنادترین تفسیر و منبع «التبیین»، «جامع البیان» طبری است که قریب یک چهارم روایات این تفسیر مطرح شیعی را به خود اختصاص داده است. پس از تفسیر طبری، مصدر انفرادی «التبیین»، تفسیر «المصابیح» وزیر مغربی است. این آمار نشان می‌دهد که تأثیرگذارترین کتاب‌ها و مصادر «التبیین»، «جامع البیان» و «المصابیح» وزیر مغربی است. این در حالی است که شیخ طوسی هیچ‌گاه از تفاسیر امامی پیش از خود که بیشتر تفاسیر روایی محض هستند، مانند تفسیر عیاشی و تفسیر قمی، به صراحت نام نمی‌برد و فقط دو بار از علی بن ابراهیم نام برده است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۸۶ و ج ۶، ص ۴۸۳).

شاید در توجیه این امر بتوان گفت، با توجه به اینکه روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان، روش جامعی بوده و علاوه بر نقل روایات، به عقل و استدلال نیز توجه کرده است، پیش از شیخ طوسی، تفسیر کامل و مهم و قابل توجهی در تمامی ابعاد، در امامیه شکل نگرفته بود تا منبع تفسیر بزرگ «التبیین» قرار گیرد. تفاسیر عیاشی و قمی نیز ناقص یا مختصر و کوتاه، و بیشتر روایی محض بودند.

پس از مقایسه سند و متن روایات «التبیین» و مصادر یافت‌شده هر روایت و دیدن نقل به معناهای متعدد، درباره روش گزارش شیخ طوسی می‌توان گفت، وی از «حافظه» و نه متن مکتوب پیش رو کمک گرفته که گاهی خطا رفته است، زیرا در برخی موارد شیخ طوسی، احادیث و اقوال طبری را با تعبیر «ذکره ابوجعفر و ابوعبدالله» به روایات اهل بیت مستند می‌کند که به رغم جستجوهای شبانه‌روزی و کامل، این اقوال و احادیث در هیچ منبعی یافت نشد. گرچه نمی‌توان احتمال از دست رفتن برخی منابع را از نظر دور داشت، اما احتمالاً شیخ طوسی از حافظه کمک گرفته و مفهوم یا عبارت مشابهی که از احادیث ائمه (ع) در ذهن داشته به این حدیث مرتبط دانسته است. این احتمال را هم می‌توان مطرح کرد که نسخه‌برداران یا شاگردان شیخ طوسی، این عبارات را در جهت شیعی کردن تفسیر، به آن افزوده‌اند، هرچند قرینه‌ای روشن برای این فرضیه نداریم. از عوارض روش شیخ طوسی در نقل روایات «التبیین» می‌توان به تقطیع، نقل به معنا، تصحیف در متن و سند اشاره نمود.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم؛ ترجمه: محمد مهدی فولادوند؛ تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد؛ *تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم)*؛ تحقیق: طیب، اسعد محمد؛ ج ۳، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
۳. ابن ابی دنیا، أبوبکر عبدالله بن محمد؛ *الصمت و آداب اللسان*؛ تحقیق: أبوسحاق حوینی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن شهبه، عمر بن شهبه؛ *تاریخ المدینة لابن شبة*؛ تحقیق: فهیم محمد شلتوت، جدة: بی نا، ۱۳۹۹ق.
۵. ابن شهر آشوب، ابو عبدالله محمد بن علی؛ *معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا*؛ قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت، بی تا.
۶. ابن عدیم، عمر بن احمد؛ *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*؛ تحقیق: سهیل زکار، بی جا: دار الفکر، بی تا.
۷. ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن أحمد؛ *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*؛ تحقیق: عبد القادر الأرناؤوط و محمود الأرناؤوط، دمشق: دار بن کثیر، ۱۴۰۶ق.
۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ مصحح: ناصح، محمد مهدی؛ یاحقی، محمد جعفر، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۹. ازرقی، محمد بن عبد الله؛ *أخبار مكة وما جاء فیها من الآثار*؛ تحقیق: رشدی الصالح ملحس، بیروت: دار الأندلس للنشر، بی تا.
۱۰. پهلوانی زاده خنامان، الهام؛ «بررسی آراء آقای صالحی نجف آبادی در خصوص استناد روایات ابوجعفر به امام باقر (ع) در تفسیر مجمع البیان»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۴ش.
۱۱. ثعلبی، احمد بن محمد؛ *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*؛ تحقیق: ابی محمد ابن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۲. خوبی، ابوالقاسم؛ *معجم رجال الحدیث*؛ ج ۵، بی جا: بی نا، ۱۹۹۲م.
۱۳. ذهبی، محمد بن احمد؛ *سیر أعلام النبلاء*؛ تحقیق: شعیب الأرناؤوط و محمد نعیم العرقسوسی، ج ۴، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق.
۱۴. رهبری، حسن؛ «روایت در تفسیر تبیان»، پژوهش های قرآنی، شماره ۵۶، ۱۳۸۷ش.
۱۵. زهرانی، عبدالکریم بن صالح؛ «المصابیح فی تفسیر القرآن العظیم للحسین بن علی المعروف بالوزیر المغربی (ت: ۱۸۱) من اول سورة الفاتحة الى آخر سورة الاسراء»؛ پایان نامه دکتری، کلیة اللغة، جامعة ام القرى، ۱۴۲۱ق.
۱۶. سفیان ثوری، سفیان بن سعید؛ *تفسیر الثوری*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۳ق.
۱۷. سمرقندی، نصر بن محمد؛ *تفسیر السمرقندی المسمى ببحر العلوم*؛ تحقیق: عمر عمروی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۸. صالحی نجف آبادی، نعمت الله؛ *حدیث های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری*؛ تهران: کویر، ۱۳۸۲ش.

۱۸. صدوق، محمد بن علی؛ *من لا یحضره الفقیه*؛ ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*؛ اربد: دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ تصحیح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف؛ *خلاصة الأقوال*؛ تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود؛ *التفسیر (تفسیر العیاشی)*؛ تحقیق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۲۵. فریدونی مهرگان، محمد؛ «بررسی تأثیرپذیری تفسیر تبیان شیخ طوسی از تفسیر جامع البیان طبری»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۹۱ش.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ تحقیق: طیب موسوی جزایری، ج ۳، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۲۷. کریمی نیا، مرتضی؛ «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در «التبیان»»؛ مطالعات اسلامی، شماره ۷۴، ۱۳۸۵ش.
۲۸. _____؛ «مأکله سالانه یهود: بررسی روایتی تفسیری در منابع کهن شیعه و سنی»؛ پژوهش های قرآن و حدیث، سال ۴۴، شماره ۲، ۱۳۹۰ش.
۲۹. _____؛ «وزیر مغربی و روش شناسی المصابیح فی تفسیر القرآن»؛ رساله دکتری، رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۳۱. کوفی، محمد بن سلیمان؛ *مناقب الإمام أمير المؤمنين (ع)*؛ تحقیق: محمدباقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. ماوردی، علی بن محمد؛ *النکت و العیون تفسیر الماوردی*؛ مراجعه و تعلیق: سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بی تا.
۳۳. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.

